

دکتر محمد تقی رهنمایی  
گروه جغرافیا - دانشگاه تهران

## توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف

### مقدمه:

در تاریخ پرفراز و نشیب ایران، حکومت به عنوان مهمترین عامل سیاسی پیوسته مؤثرترین نقش را در دگرگونی ساخت و سازهای فضایی از جمله شهرهای بزرگ کشور داشته است. و با توجه بر این که سازمان حکومتی در ایران همیشه ساخت متمرکزی داشته و باقرار گرفتن در رأس هرم سلسله مراتبهای اجتماعی و اقتصادی به موازات سلسله مراتب سیاسی از موقعیت و امکانات ویژه‌ای برخوردار بوده، پرواضح است که این امتیازات قدرت و میدان عمل وسیعی به مرکز حکومت داده است.

از طرف دیگر خاستگاه و پایگاه اجتماعی حکومت تا اوایل سده اخیر متشاء ایلی و عشایری داشته و سران ایلات مختلف با برخورداری از موقعیت‌ها و فرصتهای مغتنمی که به آنها دست می‌داده، با تشکیل سلسله‌ای به نام ایل و تبار خویش، پس از سرکوبی و به اطاعت درآوردن ایلات دیگر، شهری را به پایتختی برگزیده و در کشور به حکومت پرداخته‌اند. تا جایی که مبارزه تاریخی بر سر قدرت میان ایلات و عشایر ایران به یک سنت تبدیل شده و در این کشاکش پیوسته پایتختها مورد بی‌مهری گروههای رقیب قرار می‌گرفتند.

در بررسی اهمیت پایتخت این سلسله‌ها از دید شهرسازی و شهرشناسی دونکته حایز

اهمیت است:

- نخست این که هر سلسله ای در پی آن بود که مکانی خاص را به عنوان پایتخت برای خود اختصاص دهد. در این راستا با بهره گیری از موقعیت و امتیازات یادشده به گسترش و رشد آن اهتمام می ورزید و کوشش می کرد آن را به سمبلی از قدرت تاریخی خود تبدیل کند.

- دوم این که به هنگام فروپاشی یک سلسله و روی کار آمدن سلسله ای دیگر برای تضعیف یا حذف کامل سلسله مغلوب نه فقط سازمان اجتماعی آن متلاشی می شد، بلکه نمودهای فضایی به ویژه پایتخت آن نیز که نقش سمبولیک داشت ویران شده یا مورد بی مبری شدید قرار می گرفت.

از این رو در تاریخ ایران به موازات فراز و نشیب سیاسی شاهد یک فراز و فرود حیات شهرها به ویژه پایتختها نیز هستیم. اما این قانونمندی تاریخی در مورد تهران هر چند که در انتخاب آن به عنوان پایتخت به هنگام روی کار آمدن قاجارها مصداق یافت و به دنبال آن اصفهان از نظرها افتاد، لیکن با انقراض قاجار نه تنها تهران هويت خود را از دست نداد، بلکه پیوسته براعتبار و عظمت آن افزوده شد.

این گستگی در توالی و تسلسل تاریخی سرنوشت پایتختها مسلماً دلایل تاریخی، سیاسی و اجتماعی و در کنار آن جغرافیایی خاصی دارد، که آگاهی از آن در تحلیل وضع امروزی تهران ضروری بوده و به نظر اینجانب نقش کلیدی را در شناسایی مسایل امروزی تهران دارد.

جایگزینی قاجارها به وسیله نظام متمرکز پهلوی در مقایسه با دگرگونیهای نظامهای سیاسی قبلی تفاوتهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیادی داشت که نکات زیر از ویژگیهای اصلی آن به شمار می آید:

- این دگرگونی برخلاف سنت دیرین نه بر اثر فشار نظامی، بلکه به دنبال یک سلسله تاکتیک های سیاسی انجام گرفت.

- نظام مدعی در این دوره متشاء ایلاتی نداشته و از این جهت پایگاه اجتماعی و حمایتی خود را نه در میان عشایر، بلکه در میان عناصر شهرنشین (تجار و پیشه وران) و با مالکین به وجود آورده بود.

- با روی کار آمدن این نظام موقعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی نظامهای ایلی و قبیله ای به شدت تضعیف شد.

- سرکردگان ایلات و عشایر با وجود مقاومتهای اولیه، سرانجام برای اولین بار در تاریخ

ایران حاکمیت سیاسی عناصر شهری را پذیرفته و بر اطاعت از آنان گردن نهادند.  
- و سرانجام این که شیوه سیاسی و اداری واگذاری حکومت ایالات و ولایات در قبال تعهدات مالی معین به اشخاص ملغی شده و به جای آن نمایندگان سیاسی و اجرایی حکومت مرکزی که از وزارتخانه‌های متبوعه خود در تهران دستور و امکانات می گرفتند به استانها اعزام شدند.

در حقیقت این تحول پی آمد تاریخی تنشهای اجتماعی و کشمکش‌های سیاسی بود که تحت عنوان انقلاب مشروطیت در ایران آغاز شده بود و با محدود کردن قدرت سلطنت و تفکیک حکومت و دولت از یکدیگر از طریق تدوین قانون اساسی، شیوه سیاسی مورد نظر عناصر شهرنشین را بر کشور جاری می ساخت. طبیعی است که این تفویض قدرت به شهروندان برای حکومت‌های خودکامه که به جز نظام حکومتی سنتی شیوه دیگری نمی شناختند، چندان خوشایند و مطبوع نبود و پیوسته در صدد لغو آن و احیای روال گذشته بودند. استبداد صغیر در دوره محمدعلیشاه قاجار نمونه این واکنش سیاسی حکومت در مقابل شهروندان بود. تا جایی که مسأله بی اعتمادی شدید میان حکومت و عناصر شهرنشین در روند تاریخی خود به حذف قاجارها و روی کار آمدن نظام دیگری با منشاء اجتماعی متفاوت، منجر شد.

از این دوره به بعد عناصر شهری در نظام سیاسی و اقتصادی کشور قدرت زیادی پیدا کردند و نمایندگان سیاسی آنان پیوسته در راستای توجه بیشتر به شهرها قدم برداشتند. حاصل این توجه، قرار گرفتن شهرها و در رأس آنها تهران به عنوان کانون فعالیت اقتصادی و اجتماعی در محور کلیه سیاست‌های اجرایی بود. تهران به عنوان مرکز سیاسی کشور در رأس هرم سلسله مراتبی (هیرارشی) شهری قرار گرفت و با توجه به پویای فرهنگ و پیوند خوردن در اقتصاد جهانی به مهمترین کانون ارتباطی کشور با خارج و مبادلات و مناسبات سیاسی- اقتصادی آن تبدیل شد. تهران امروز میراث تحولات تاریخی دو بیست سال اخیر ایران است. اما مسایل و مشکلات آن به گونه‌ای دیگر از آنچه در تاریخ سابقه دارد، خود را نشان می دهند. در این فاصله انباشت مشکلات شهری نسبت تصاعدی پیدا کرده و بروز هر مشکلی به دنبال خود مسایل و تنگناهای جانبی دیگری به وجود می آورد. ابعاد مسایل فضایی و محیطی تهران، دیگر محدوده جغرافیایی معینی ندارد. اثرات آن تا شعاع وسیعی در گستره دشت تهران عمل می‌کند. آنچه که در این مقاله مطرح می‌شود تنها بخشی از اثرات تهران بر نواحی مجاور است. تحول کالبدی در روستاهای اطراف و دگرگونی محیطی

در چشم اندازهای معیشتی آنها، از جمله نکات حایز اهمیت، به ویژه از دید جغرافیایی است که موضوع این مقاله را تشکیل می دهند.

### ۱- نقش عوامل جغرافیایی در توسعه تهران:

در بررسی عوامل مؤثر در رشد و توسعه تهران غالباً نظرهای گوناگونی عنوان می شود که هریک در جای خود حایز اهمیت است. تردیدی نیست که تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران، زمینه اشتغال وسیعی فراهم کرده که همزمان با آن رکود نسبی فعالیتها در نقاط دیگر کشور و برخورداری بیش از پیش تهران از سرویسهای خدماتی بهتر، به این توسعه شتابی خاص بخشیده است<sup>۱</sup>. اما در منابع مطالعاتی تاکنون به نقش عوامل جغرافیایی در توسعه تهران کمتر توجه شده است. از این رو کوشش می شود ابتدا گوشه هایی از عملکرد عوامل جغرافیایی که در توسعه امروزی تهران سهمی به سزا دارند، روشن شود.

نگاهی گذرا به سیستم کوهستانی البرز به ویژه بخش مرکزی آن نشان می دهد، که در این قسمت از کوههای البرز شبکه اوروهیدروگرافی از قانونمندی عام سیستم البرز تبعیت نمی کند. شبکه آبهای جاری در سیستم البرز عمده به سوی حوضه آبریز دریای خزر می ریزند. در این فاصله تنها دو رودخانه مهم کرج و جاجرود، برخلاف دیگر رودخانه های مهم به سمت جنوب جریان یافته و به حوضه های مرکزی ایران می ریزند. دشتهای آبرفتی این دو رودخانه با برخورداری از امکانات آبیاری، پیوسته کانونهای مهم فعالیتهای زراعی در دوره های مختلف تاریخی بوده است. ری یا «رگا» شهری که قربانی توسعه تهران شد مهمترین کانون مبادله مازاد اقتصادی این منطقه بوده است. تهران امروز نیز همانند ری تقریباً در مرکز جغرافیایی محل خروج این دو رودخانه از کوهستان قرار گرفته است.

این دو رودخانه علاوه بر تأمین آب موردنیاز اراضی کشاورزی، امروزه به همراه رودخانه لار مهمترین تأمین کنندگان آب مورد نیاز تهران هستند. در واقع نقش عامل آب و اتکابی مهابا به پشتوانه تأمین آن از منابع یادشده، خود عاملی در توسعه لگام گسیخته تهران به شمار می رود. حتی امروز نیز کشاورزی متمرکز در نواحی اطراف تهران به شدت به این منابع آبی وابسته است. هرچند که مصرف حساب نشده آن در تهران به ویژه در چرخه بعدی

۱- خلیلی عراقی، منصور: شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی رویه شهر تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران

به صورت آبهای زیرزمینی چه از نظر کیفی و چه کمی، خود به صورت یکی از مشکلات امروزی تهران درآمده است.

از نظر جغرافیایی تهران با قرار گرفتن بر روی رسوبات آبرفتی دامنه‌های توحال از تنوع اقلیمی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. این تنوع در فاصله‌ای اندک به نوبه خود از نظر دسترسی برای تهران، امتیازی بزرگ محسوب می‌شود. برای کشوری مثل ایران که تنوع محیطی در آن ابعادی وسیع می‌گیرد و سرما یا گرمای آن از گوشه‌ای تا گوشه دیگر نقش محدود کننده و آزاردهنده‌ای دارد، تهران شرایطی متعادل و بینابینی دارد. به طوری که در صورت بروز شرایط سخت محیطی می‌توان در شعاع نزدیک از تهران به نقاط مساعد جا به جا شد. این امکان محیطی در کنار عوامل غیرطبیعی مؤثر در تشدید جاذبه تهران به عنوان یک جاذبه طبیعی عمل کرده و به تهران و مناطق اطراف آن موقعیتی خاص بخشیده است.

بدین ترتیب برخورداری از شرایط اقلیمی نسبتاً مساعد، وجود بقایای راههای ارتباطی قدیم ری که بسیاری از راههای فعلی بر روی آن ساخته شده‌اند، نبود عوارض ناهمواری بازدارنده توسعه تا قبل از رسیدن به کوهستان یا کویر، دسترسی به منابع آب مطمئن در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی، جریان دایم دو رودخانه بزرگ کرج و جاجرود، وجود زمینهای زراعی گسترده بر روی دشتهای آبرفتی و سرانجام قابلیت جذب جمعیت به طور سنتی و دسترسی کوچ‌نشینان و دامداران کوه‌نشین به چنین مرکز مبادله‌ای برای تأمین نیازهای متقابل، به تهران موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای داده که در تشدید روند روی آوری به تهران در کنار عوامل سیاسی و اقتصادی نقش به‌سزایی داشته است.

## ۲ - توسعه تهران و دگرگونیهای فضایی در محیط جغرافیایی اطراف:

اثرات توسعه تهران بر روی نواحی اطراف را می‌توان در زمینه‌های مختلفی بررسی کرد. این تأثیرات طیف وسیعی از شکل‌های فضایی یا فعالیت‌های انسانی را شامل می‌شود که هر یک می‌تواند موضوع قابل بررسی جداگانه‌ای باشد. به عنوان مثال عملکرد فرهنگی تهران در شعاع نزدیک، به مراتب بیشتر از نواحی دور دست کشور است. و روستاهای واقع در شعاع نزدیک تهران به برکت این همجواری، از خدمات فرهنگی، آموزشی، خدماتی، درمانی و بهداشتی و حمل و نقل بهتری برخوردارند. وسعت دامنه این عملکردها آنچنان وسیع است که می‌توان مقوله‌های متنوعی را در قالب آن مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. در اینجا به تناسب ماهیت جغرافیایی این مطالعه اثرات توسعه تهران در سه زمینه زیر

مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- اثرات توسعه تهران بر روند شهرنشینی در نواحی پیرامونی.
- اثرات تهران بر تحولات کالبدی (فیزیکی) نواحی روستایی.
- و اثرات محیطی و جغرافیایی تهران بر نواحی پیرامونی.

### ۱-۲- اثرات توسعه تهران بر روند شهرنشینی در نواحی پیرامونی:

نگاهی به نخستین نقشه جغرافیایی که اشتال در سال ۱۹۰۰ میلادی از تهران و اطراف آن ترسیم کرده نشان می‌دهد، تا آن دوره یعنی پس از گذشت بیش از ۱۱۰ سال از انتخاب تهران به عنوان پایتخت، تنها ورامین و ری یا شاه‌عبدالعظیم به صورت کانونهای شهری در شعاع اطراف تهران وجود داشته است. هرچند که در آن دوره تعریف معینی از مفهوم شهر وجود نداشت و تنها بر اساس عملکرد و وسعت و جمعیت می‌شد نقطه‌ای را شهر منظور داشت، باید گفت که این دو کانون شهری هرچند به صورت مستقل وجود داشتند، لیکن از اثرات همجواری تهران بهره‌مند می‌شدند. و به نوعی در همان دوره نیز به تهران وابسته بودند. اما این دو شهر را نمی‌توان در زمره شهرهایی قرار داد که علت وجودی خود را از تهران گرفته باشند. چرا که این شهرها هر دو قبل از تهران وجود داشتند و هر یک در دوره‌ای خاص کانون فعالیت و جنب و جوش مستقلی را تشکیل می‌دادند. عملکرد مؤثر تهران به عنوان پایتخت بر روند شهرنشینی در نواحی اطراف ابتدا از دهه دوم سده اخیر یعنی از سالهای ۱۳۱۰ به بعد مشهود می‌شود. در این میان روستای کرج به دلیل قرارگیری در محل خروج رودخانه کرج از کوهستان و عبور راههای جدید ارتباطی میان تهران و مازندران و تهران و قزوین که مرکز کشور را به استانهای شمالی و شمال غربی وصل می‌کردند از یک طرف و ایجاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران و آغاز عملیات ساختمان نخستین کارخانه ذوب آهن در کنار آن موقعیت ویژه‌ای یافت.<sup>۱</sup> بدین ترتیب کرج با برخورداری از چنین موقعیتی به عنوان شهری که زایش آن مستقیماً با توسعه تهران مربوط می‌شود به وجود آمد و در کنار دو شهر سابق به

۱- ری یا شاه‌عبدالعظیم بزرگترین زیارتگاه نزدیک تهران بود و در روزهای آخر هفته انبوه مسافران را به سوی خود جلب می‌کرد. ورامین نیز به دلیل نزدیکی با تهران مازاد تولیدات زراعی خود و نواحی اطراف را به بازار تهران ارائه و خدمات و کالاهای مورد نیاز را از تهران تهیه می‌کرد.

۲- علت انتخاب کرج به عنوان محل احداث ذوب آهن در آن دوره نزدیکی به معادن ذغال سنگ گاجره و شمشک و امکان استفاده از آب رودخانه کرج بود. ساختمان این کارخانه به دلیل آغاز جنگ جهانی دوم متوقف شد. خرابه‌های ساختمانی آن هنوز در کنار راه کرج به زرکان باقیست.

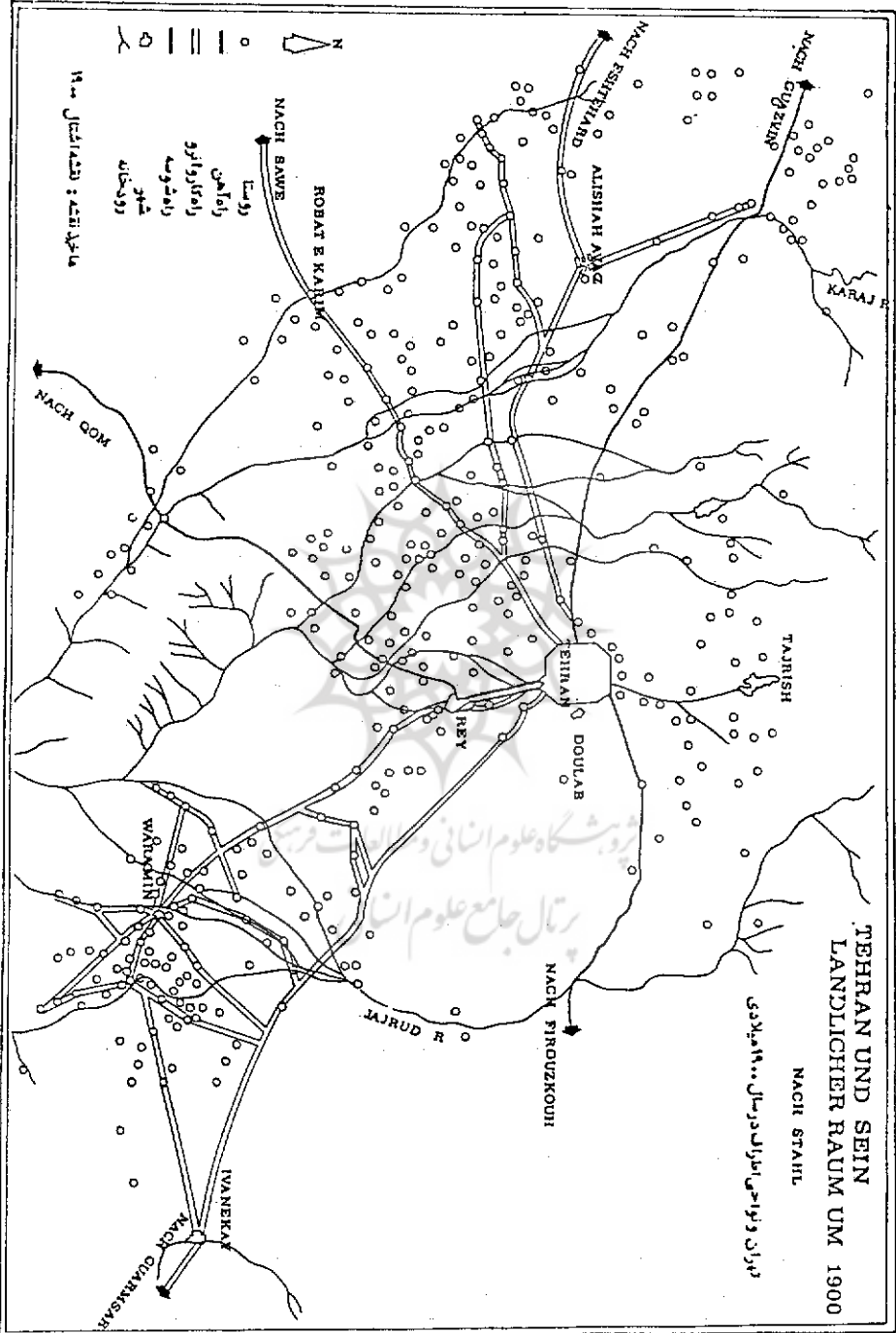
منظومه شهری تهران پیوست.

در نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن به سال ۱۳۳۵ منظومه شهری اطراف شهر تهران به تبعیت از قدرت یافتن محورهای جانبی دیگر شکل جغرافیایی قدیم خود را که در نقشه اشتال منعکس بود از دست داد. به طوری که ری در این دوره به عنوان یک شهر اعتبار خود را از دست داد و ورامین نیز به دلیل موقعیت بن بست خود و دوری از راههای ارتباطی اصلی بیش از پیش منزوی شد. در سال ۱۳۳۵ تهران با بیش از ۱/۵ میلیون نفر جمعیت بزرگترین شهر منطقه و کرج با ۱۴۵۲۶ نفر و ورامین با ۵۲۰۵ نفر با فاصله ای بسیار زیاد در مراتب بعدی شهرهای دیگر منطقه را تشکیل می دادند. (جدول و نقشه ۱)

تثبیت موقعیت سیاسی کشور بعد از بحران سیاسی سال ۱۳۳۲ و تحکیم موقعیت مرکزی تهران به عنوان بزرگترین مادر شهر کشوری و کانون تمرکز سرمایه گذارهای دولتی و خصوصی از طریق توسعه نقش خدماتی تهران و تبدیل محور تهران - کرج به بزرگترین قطب صنعتی بخش خصوصی، تحرک بی سابقه ای در تهران و کرج و به تبعیت از آن در برخی روستاهای دیگر به وجود آورد. در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ که دومین سرشماری نفوس و مسکن انجام گرفت سه روستای دیگر از روستاهای اطراف تهران به دلیل دارا بودن بیش از ۵ هزار نفر جمعیت به شهر تبدیل شدند و روستاهای شهریار (علیشاه عوض سابق)، پیشوا و اشتهارد به منظومه شهری تهران پیوستند. در این دوره جمعیت تهران با نرخ رشد سالانه ۶/۳ درصد به ۲/۹۸ میلیون نفر رسید و جمعیت کرج با بیش از ۴۴ هزار نفر سه برابر دوره قبل شد. علاوه بر سه روستای یاد شده که جمعیت آنها به ۵۰۰۰ تا ۶۵۰۰ نفر می رسید، جمعیت ورامین نیز با ۱۱۱۸۳ نفر به دو برابر دوره قبل افزایش یافت. مبدین ترتیب اثرات فضایی رشد جمعیت نواحی روستایی از انحصار کرج بیرون آمده و به دیگر نواحی روستایی نیز کشیده شد. منظومه شهری تهران در این دوره از ۶ شهر تشکیل می شدند که ۴ شهر آن قبلاً ساخت روستایی داشتند (نقشه ۲).

در سال ۱۳۵۵ چهار روستای دیگر یعنی اسلام شهر، قرچک، نظرآباد و هشتگرد با تبدیل شدن به شهر به منظومه شهری تهران پیوستند. خصوصیات جمعیتی این شهرها که در نقشه ۳ و جدول ۱ نشان داده شده است به خوبی حاکی از رشد سریع چهار شهر یعنی اسلام شهر، ورامین، قرچک و شهریار است که پا به پای شهرهای پیشتر از خود یعنی تهران و

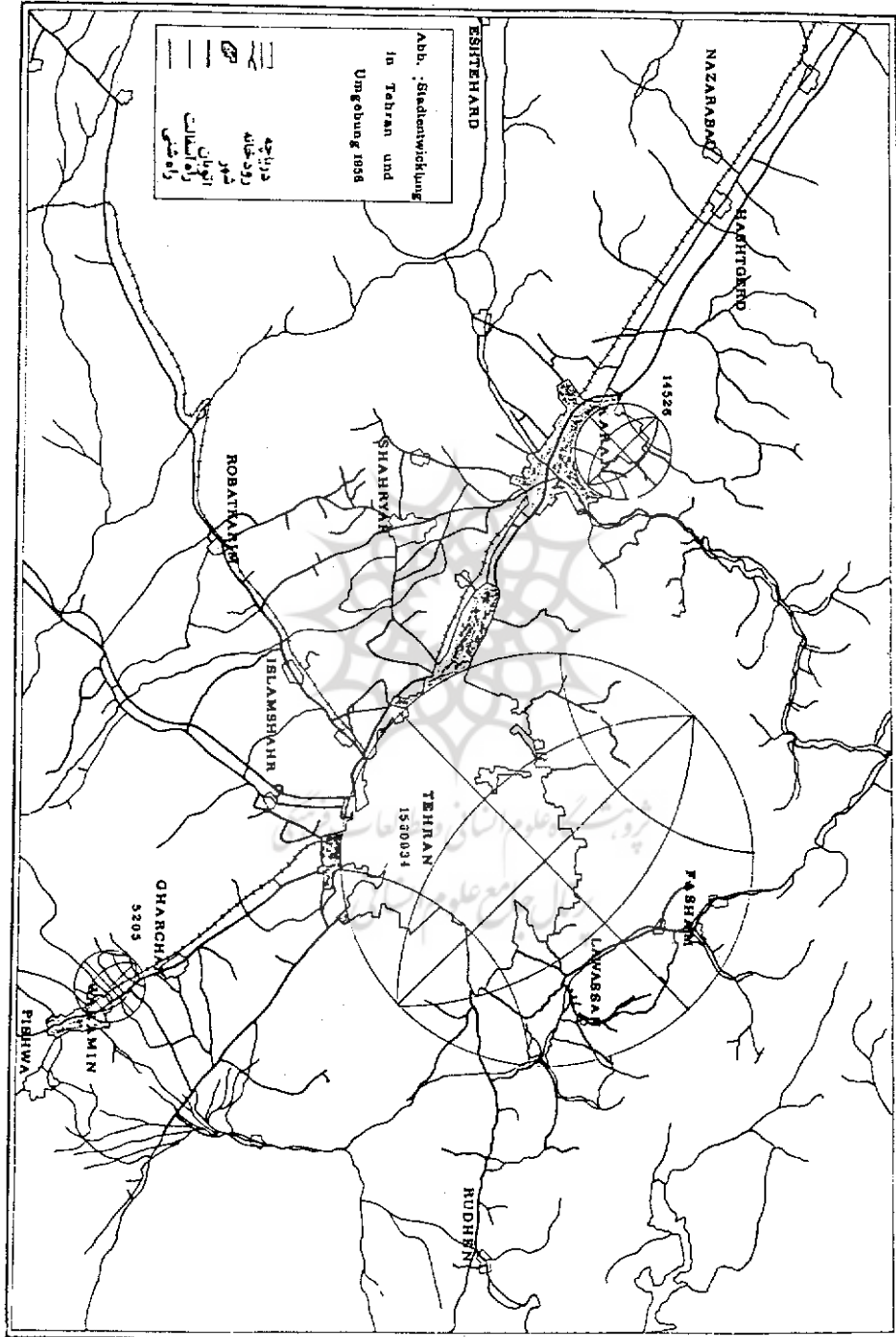
۱ - اسلام شهر از توسعه و برهم پیوستن روستاهای قاسم آبادشاهی و محمدآباد به وجود آمد و با شتابی سریع به سومین شهر بزرگ منطقه تبدیل شد.

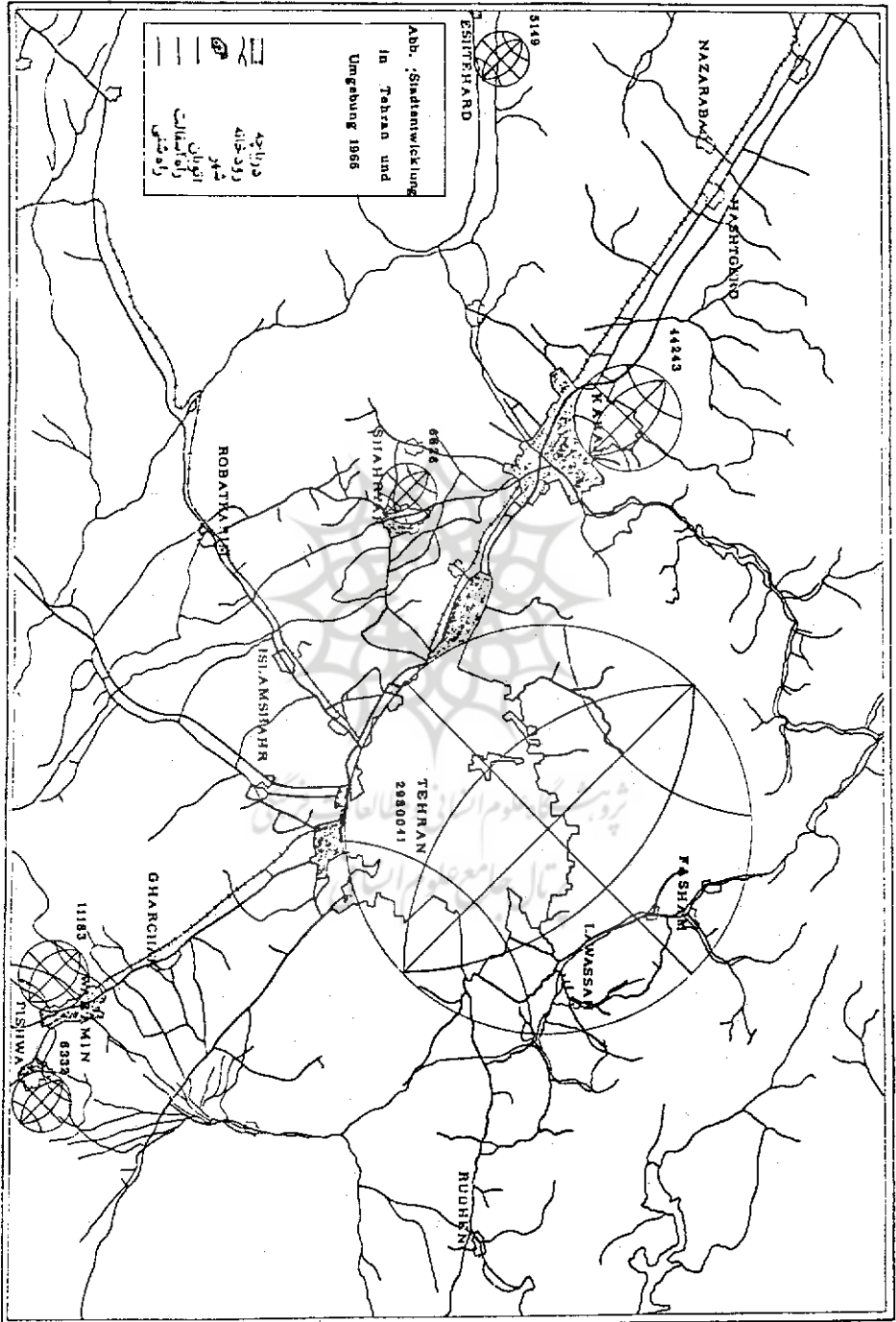




جدول ۱: تغییرات جمعیتی اطراف تهران و روند تبدیل روستاها به کانونهای شهری در فاصله ۱۲۷۹ تا ۱۳۶۵ (۱۹۰۰-۱۹۸۶)

	سال ۱۹۰۰/۱۲۷۹		سال ۱۹۵۶/۱۳۳۵		سال ۱۹۶۶/۱۳۴۵		سال ۱۹۷۶/۱۳۵۵		سال ۱۹۸۶/۱۳۶۵	
	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت
۱	تهران	۱۵۶۱۰۹۳۴	تهران	۳۹۸۰۰۴۱	تهران	۴۵۳۰۲۲۳	تهران بزرگ	۶۰۴۲۵۸۴	تهران بزرگ	۶۰۴۲۵۸۴
۲	ری	۱۴۵۲۶	کرج	۴۴۲۴۳	کرج	۱۹۷۳۷۰	کرج بزرگ	۵۸۹۹۵۴	کرج بزرگ	۵۸۹۹۵۴
۳	ورامین	۵۲۰۵	ورامین	۱۱۱۸۳	ورامین	۲۵۷۹۲	اسلام شهر	۲۱۵۱۲۹	اسلام شهر	۲۱۵۱۲۹
۴			شهریار	۶۶۲۶	شهریار	۱۱۶۹۷	فرچک	۷۷۹۵۷	فرچک	۷۷۹۵۷
۵			پیشوا	۶۳۳۲	فرچک	۱۴۹۲۵	ورامین	۵۸۳۱۱	ورامین	۵۸۳۱۱
۶			اشتهارد	۵۱۴۹	شهریار	۹۹۳۴	شهریار	۲۲۴۳۳	شهریار	۲۲۴۳۳
۷					پیشوا	۹۸۸۹	نظرآباد	۲۱۶۶۰	نظرآباد	۲۱۶۶۰
۸					نظرآباد	۹۸۸۹	رباط کریم	۱۷۹۰۳	رباط کریم	۱۷۹۰۳
۹					هشتگرد	۵۶۷۲	پیشوا	۱۷۲۸۳	پیشوا	۱۷۲۸۳
۱۰					اشتهارد	۵۰۷۴	هشتگرد	۱۶۷۶۱	هشتگرد	۱۶۷۶۱
۱۱							اشتهارد	۸۰۹۵	اشتهارد	۸۰۹۵
۱۲							رودهن	۶۶۵۰	رودهن	۶۶۵۰
۱۳							کارسان	۶۰۰۳	کارسان	۶۰۰۳
۱۴							اوشان، فشم	۵۳۷۷	اوشان، فشم	۵۳۷۷
							میگون		میگون	





کرج رشد کرده و سلسله مراتب‌های بعدی را در منظومه شهری تهران اشغال کرده‌اند. جمعیت اسلام شهر در فاصله دو سرشماری ۴۵-۱۳۵۵ از ۱۰۰۶ نفر به ۵۰۲۷۹ نفر رسید. یعنی در عرض ۱۰ سال به حدود ۵۰ برابر رسید. عملکرد پدیده تبدیل روستا به شهر در این نقاط روستایی پس از به رسمیت شناخته شدن و به دست آوردن هویت حقوقی شهری همانند نیروی محرکه قوی عمل کرده و آن چنان سریع و شتابان در رشد آنها اثر می‌گذارد، که در مقایسه با رشد طبیعی شهرها می‌توان از آن به عنوان «اپیدمی شهرگرایی» یاد کرد. گویی که این روستاها با تبدیل به شهر از اسارت تاریخی روستا بودن رهایی یافته و زنجیرهای محدود شدن را به سرعت گسسته و توسعه می‌یابند. نکته قابل توجه در روند توسعه شهرهای منظومه شهری تهران در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ کاهش جمعیت شهر اشتهارد است. این شهر به دلیل موقعیت حاشیه‌ای خود که در مسیر راه کرج به تاجیکستان قرار گرفته است تا سالهای ۱۳۵۵ رشد ناموزونی داشته و حتی جمعیت آن نسبت به سال ۱۳۴۵ حدود ۷۵ نفر کاهش یافته است. دلیل اساسی آن را می‌توان محدودیت فعالیت‌های شغلی در زمینه‌های کشاورزی اطراف آن و فقدان واحدهای صنعتی در شهر، همچنین کاهش نقش خدماتی آن به دلیل دسترسی بیشتر و بهتر به کرج، عنوان کرد.

روند تحولات شهرنشینی در روستاهای سابق اطراف تهران در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با شتاب و شدت بیشتری ادامه یافته است. به طوری که تعداد شهرها از ۱۰ شهر در سال ۱۳۵۵ به ۱۴ شهر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته و جمعیت شهری تهران در این فاصله از ۴/۸۶ میلیون نفر به ۷/۱ میلیون نفر رسیده است. در این فاصله آبادی‌های رباط کریم، رودهن، لواسان و سه روستای اوشان، فشم و میگون تعداد شهرهای منظومه شهری تهران را به ۱۴ شهر افزایش داده‌اند (نقشه ۴).

چشمگیرترین تحولات توسعه شهری در روستاهای سابق اسلام شهر و قرچک قابل مشاهده است. اسلام شهر امروزی که تا سال ۱۳۴۵ تنها با ۱۰۰۶ نفر جمعیت بر روی نقشه‌های جغرافیایی سیمای روستایی داشته در سال ۱۳۵۵ با بیش از ۵۰ هزار نفر جمعیت و سرانجام در سال ۱۳۶۵ با حدود ۲۱۵ هزار نفر جمعیت به عنوان سومین قطب شهری در منطقه شهری تهران تبدیل شده و به ترتیب با ۳۹٪ و ۱۴/۵٪ رشد جمعیت سالانه به صورت یکی از بزرگترین شهرهای منطقه درآمد است.

به همین ترتیب روستای قرچک در فاصله میان ری و ورامین با ۱۱۷۶ نفر جمعیت در سال ۱۳۴۵ با سرعت رشد کرده و با نرخ رشدی برابر با ۲۵/۴٪ و ۱۶/۵٪ در سال به ترتیب



درسال ۱۳۵۵ دارای ۱۴۹۲۵ نفر و در سال ۱۳۶۵ حدود ۷۷۹۵۷ نفر جمعیت می شود و به سرعت شهرهای پیشینه دارتر از خود یعنی ورامین، شهریار، پیشوا و اشتهارد را پشت سر می گذارد.

توزیع جغرافیایی این شهرها در پیرامون تهران خود از ضوابط محیطی وموضعی خاصی پیروی می کند که از یک طرف با مکان جغرافیایی آنها و از طرف دیگر با نیروی کشش ناشی از تهران ویا کرج در ارتباط است. علت وجودی این شهرها الزاماً با رشد سریع برخی از آنها قابل توجیه نیست. اما رشد شتابان برخی از این شهرها با موقعیت جغرافیایی آنها و در نتیجه تشدید روابط میان آنها و تهران و کرج قابل تعمق وتوجه است.

رابطه تهران با شهرهای واقع در منظومه شهری تهران همانگونه که نقشه ۴ نشان می دهد یک نظام سلسله مراتبی به وجود آورده است که می توان آن را به شرح زیر خلاصه کرد:  
- در مرحله اول شهرهای کرج بزرگ، اسلام شهر، ورامین، شهریار و دیگر شهرهای کوچک واقع در شرق و شمال تهران مستقیماً زیر نفوذ عملکردهای تهران قرار دارند و می توان آنها را کلان منظومه شهری تهران نامید.

- در مرحله دوم کرج بزرگ به عنوان دومین شهر بزرگ کلان منظومه شهری تهران در پیرامون خود منظومه شهری کوچک تری تشکیل داده که می توان آن را منظومه شهری کرج نامید. این شهرها ارتباط تنگاتنگی با کرج و سپس با تهران دارند و عبارتند از هشتگرد و نظرآباد و اشتهارد.

- در مرحله سوم ورامین در پیرامون خود یک منظومه کوچکتر شهری ایجاد کرده است. عملکرد شهرهای این منظومه هر چند که از نظر جغرافیایی در حوزه ورامین قرار دارد، لیکن بیشتر با تهران و شهری است.

- در مرحله چهارم هریک از این شهرها بروستاهای پیرامون خود به همان شکل اثر می گذارند که خود، از شهر بزرگتر تأثیر پذیرفته اند.

این تأثیر پذیری که مکانیسم عمل آن در شکل سلسله مراتبی انجام می گیرد وطی آن روستاها به شهر و شهرها به شهرهای بزرگتر تبدیل می شوند آن چنان غافلگیرانه صورت می گیرد که به مدیریت های شهری فرصت ساماندهی نمی دهد.

چشم انداز جغرافیایی در منظومه شهری تهران تحت تأثیر چنین فرآیندی تغییرات عمیقی به خود دیده است و شبکه وسیعی از روستاهای بزرگ از نظر سیمای ظاهری وابعاد فضایی بدون این که فرصت مراحل تبدیل شدن به شهر را یافته باشند به روستا- شهرهای بزرگی تغییر

شکل داده و ضمن درهم شکستن ضوابط تکامل شهری و گذراندن مراحل طبیعی آن به آنومالیهای شهری تبدیل شده اند که نه شهر به شمار می آیند و نه خصوصیات اصیل روستایی را دارند.

## ۲-۲ - اثرات تهران بر تحولات کالبدی (فیزیکی) نواحی روستایی:

گسترش روابط تهران با مناطق دیگر کشور و شهرهای بزرگ و کوچک عملکرد شهری آن را افزایش داده و در نتیجه نیازهای فضایی درون شهری را بالا می برد. محدودیت فضایی موجود در درون شهر، فشارهای ناشی از آن را در نخستین مرحله به شهرها و روستاهای مجاور تهران منتقل می سازد. تشدید چنین مکانیسمی اثرات متفاوتی بر روی نواحی روستایی از نظر کالبدی و جامعه شناختی برجای می گذارد.

هنگامی که شهرهای اطراف به نوبه خود با بحران فضایی مواجه می شوند، روستاهای واقع در فواصل دور و نزدیک به این شهرها یا تهران مورد توجه قرار می گیرند. از سال ۱۳۴۵ روند تشدید توسعه تهران و کرج به طور چشمگیری روستاهای مجاور را تحت تأثیر قرار داده است. در این فاصله سیمای بسیاری از نقاط روستایی سابق به تبعیت از افزایش جمعیت دگرگونی وسیعی پیدا کرده است. در این راستا نه فقط جمعیت روستایی آبادیهای موجود افزایش یافته، بلکه تعدادی آبادی جدید نیز به وجود آمده که برخی از آنها در روند تکاملی خود امروزه به شهرک تبدیل شده اند. مطالعه موردی در نمونه روستاهای حوزه اسلام شهر نشان می دهد که از مجموع ۴۲ آبادی واقع در حوزه نفوذ این شهر ۳۳ آبادی دارای قدمت بیش از ۲۰ سال، ۳ آبادی با قدمت بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۶ آبادی با قدمت کمتر از ۱۰ سال در این حوزه وجود دارند (جدول ۲).

جدول ۲: قدمت و تعداد آبادیها در روستاهای واقع در حوزه اسلام شهر

تعداد آبادی	قدمت آبادی	
۳۳	بیش از ۲۰ سال	حوزه اسلام شهر
۳	۱۰ تا ۲۰ سال	
۶	کمتر از ۱۰ سال	
۴۲	جمع	

نکته قابل توجه در این مطالعه رابطه میان نقش روستا و بزرگی آن است. روستاهایی که جمعیت بیشتری دارند، یعنی روستاهای ۵ تا ۱۰ هزار نفری اغلب محل سکونت کارگرانی هستند که در واحدهای صنعتی محور کرج یا ساوه شاغلند و در جستجوی مسکن ارزان به این روستاها روی آورده و در نتیجه جریان بورس بازی زمینهای روستایی، در این نقاط ساکن شده‌اند. در حالی که روستاهای کوچک عمده محل سکونت افراد بومی بوده و در مواردی افراد دیگری از مهاجرین به تهران در اینجا سکنا گزیده‌اند.

تغییرات کالبدی را می‌توان در فیزیک ساختمانی و دیگر ساخت و سازهای فضایی مناطق روستایی مشاهده کرد. هم جامعه روستایی بومی و هم گروههای مهاجر تازه اسکان یافته تحت تأثیر فرآیندهای فرهنگ شهرنشینی به تدریج از نظام معماری سنتی برینده و با بهره‌گیری از مصالح ساختمانی جدید و الگوهای شهری دگرگونی چشم‌گیری در ساخت و سازها به وجود آورده‌اند. در ساختمانهای جدید دیگر استفاده از کاه گل و خشت خام به کلی منسوخ شده و مصالح جدید مانند آجر، تیرآهن، سیمان و سنگ ساختمانی برای نما، جای آن را گرفته‌است. حتی دربهای ورودی خانه‌ها که در ساخت‌های سنتی از چوب بوده به تدریج به دربهای آهنی تبدیل شده‌اند.

شبکه گذرگاهی در بافت‌های جدید روستایی شکل هندسی یافته و به تناسب وسعت روستا و نوع جمعیتی که در آن ساکن هستند برخلاف گذشته حریم پیاده‌رو از خیابانهای اصلی برخی روستاها قابل تفکیک هستند.

بهترین نمونه چنین تغییراتی را می‌توان در روستای طالب‌آباد که ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی آن از سالهای ۱۳۴۰ توسط آقای جواد صفی‌نژاد مورد مطالعه قرار گرفته است مشاهده کرد<sup>۱</sup>. طالب‌آباد که در سال ۱۳۴۰ تنها دارای ۸۸ خانوار جمعیت ساکن بود<sup>۲</sup> در سالهای بعد از انقلاب تغییرات کالبدی شدیدی به خود دیده‌است. حصار قلعه و سردر ورودی آن تخریب شده و محدوده فضایی روستا پس از رهایی از قید حصار در دو جهت جنوب شرقی و جنوب غربی روستا گسترش یافته‌است. در بخش جنوب شرقی ساختمانهای جدید روستایی در میان باغهای سابق روستا عمده توسط روستاییان ساخته شده‌است، اما بخش جنوب غربی روستا به صورت یک شهرک جدید با خیابانهای مستقیم در جهت شمال

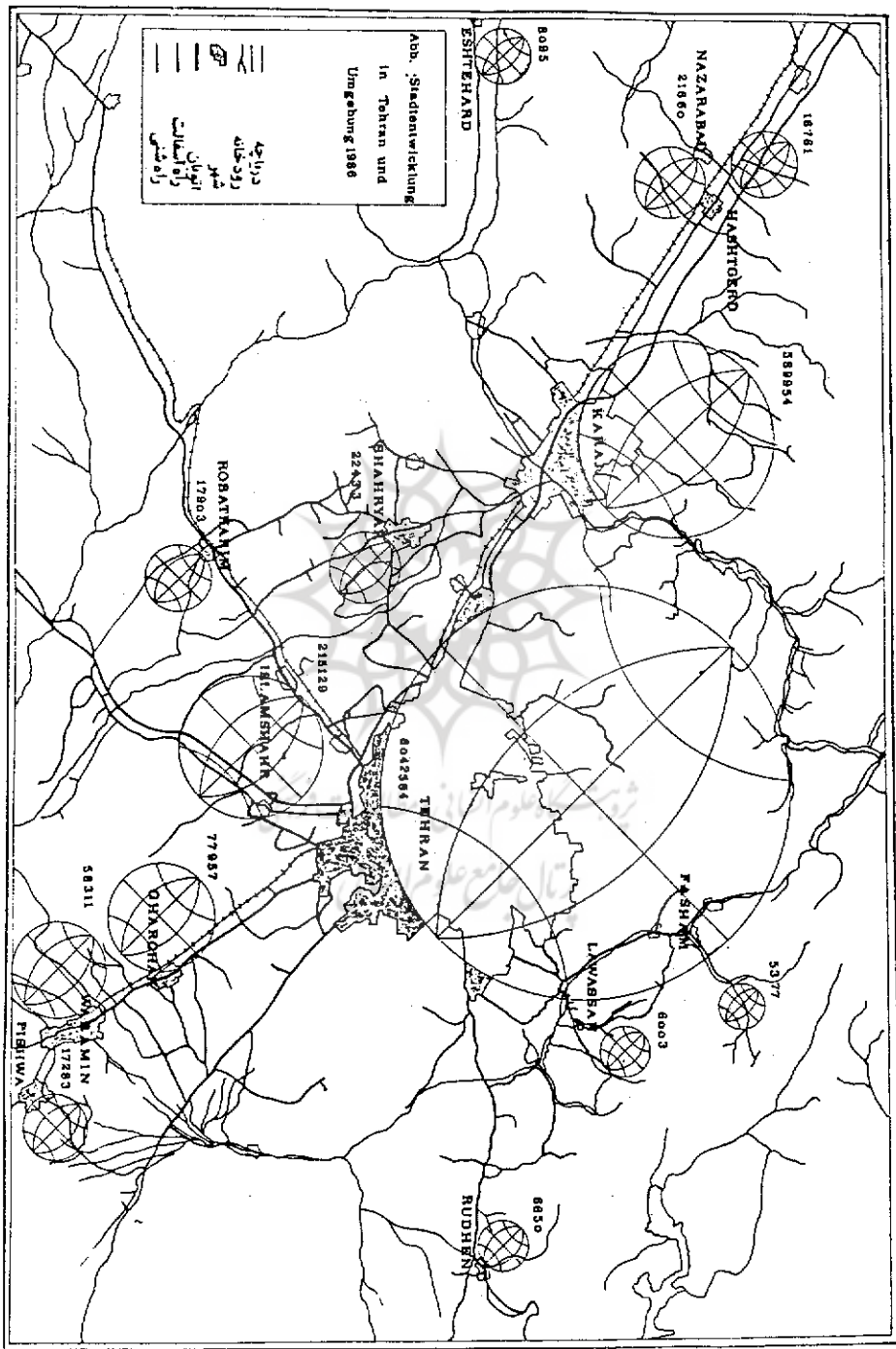
۱- ن. ک. صفی‌نژاد، جواد: طالب‌آباد، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، شماره

۲۸، تهران، ۱۳۴۵.

۲- همانجا: صفحه ۷۶



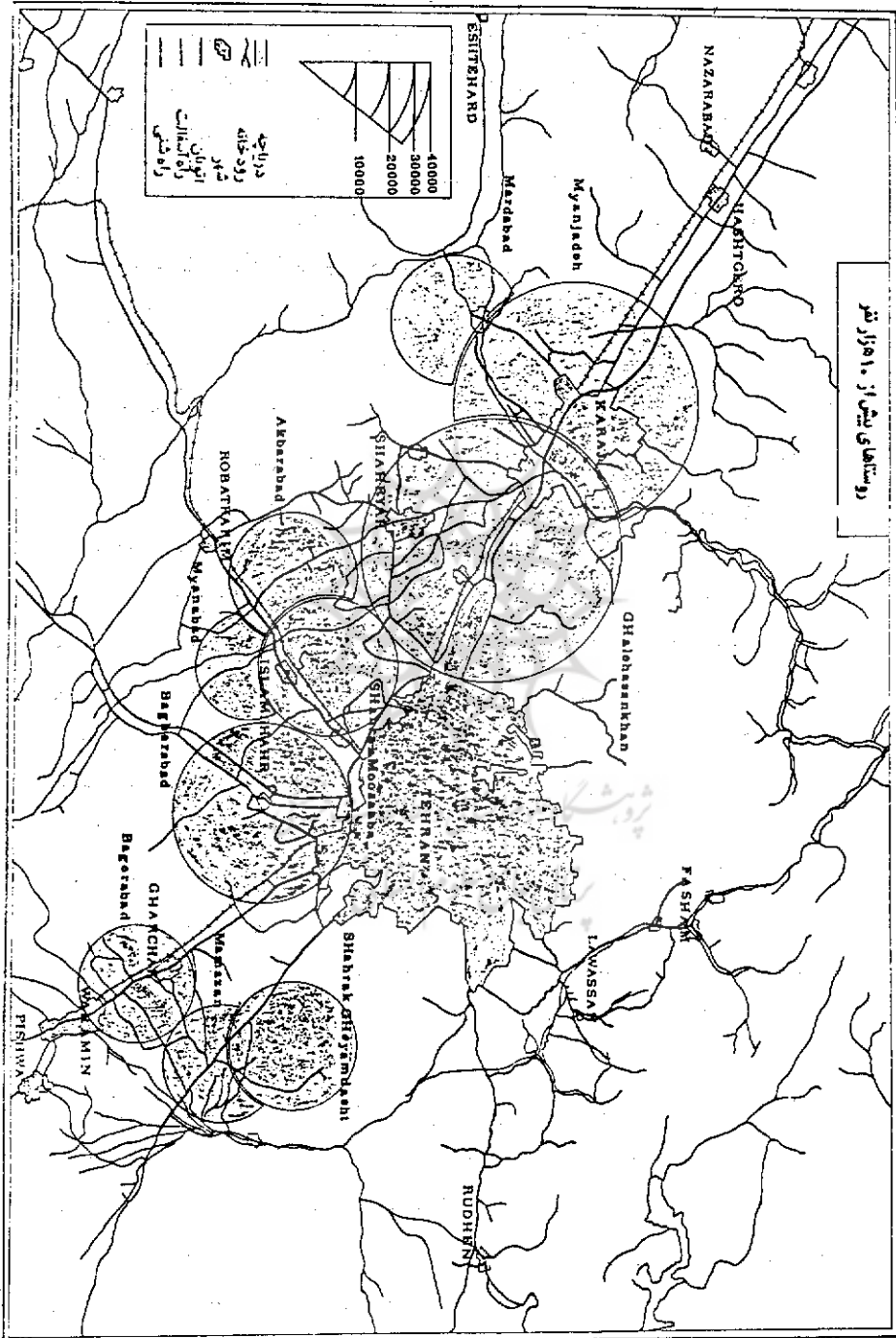
غرب- جنوب شرق درآمده است. ساکنان شهرک طالب آباد عمدتاً جوانان روستایی هستند که در ارگانهای مختلف انقلابی کار می‌کنند و از طریق این ارگانها توانسته‌اند ۱۲۳ قطعه زمین را با موافقت سازمان اوقاف در قطعات ۲۰۰ متری تفکیک کرده و به صورت بخش مسکونی درآورند، که برای هر قطعه سالانه حدود یکهزار تومان اجاره به اوقاف می‌پردازند. ساختمانهای شهرک جدید از هیچ نظر با بافت قدیم قابل مقایسه نیست. روند تحولات اثرات کالبدی خود را در بافت قدیم، اما با روندی کندتر، برجای گذاشته است. بافت قدیم روستا تحت تأثیر فرآیندهای نوسازی تجدید ساختمان شده و تغییرات کالبدی جدید را پذیرفته است. برخی تغییرات کالبدی در نتیجه تحول در عملکرد و نقش روستاها به وجود آمده‌اند. طالب آباد و برخی روستاهای دیگر به موازات عملکرد سنتی خود یعنی نقش کشاورزی امروزه بیشتر به صورت روستاهای خوابگاهی درآمده و ساکنان آنها که بیشتر از نیروهای فعال و جوان روستایی هستند و در اقتصاد روستایی امکان اشتغال و جذب پیدا نکرده‌اند، با به دست آوردن شغل در شهر ری و یا تهران از تسهیلات و امکانات روستاهای خود بهره جسته و در آنجا سکونت گزیده‌اند. در روستاهایی که جمعیت آنها تحت تأثیر روند مهاجرت، افزایش پیدا کرده است، روند تحولات کالبدی نه فقط در بخش‌های مسکونی بلکه در بخش خدماتی نیز اثرات چشمگیر فضایی برجای گذاشته است. به عنوان نمونه روستای اشرف آباد از دهستان غنی آباد شهر ری، که در هنگام اصلاحات ارضی ۶۸ خانوار صاحب نسق در آن ساکن بودند، در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۵۱۴ نفر جمعیت یافته که برای تدارک کالاهای مورد نیاز و روزمره آنها تعداد ۳۵ مغازه در این روستا فعالیت دارند. از آن جمله ۴ واحد قصابی که روزانه حدود ۴۰ تا ۵۰ گوسفند کشتار می‌کنند. در کنار این جمعیت بومی و مهاجر ۵۲ خانوار افغانی نیز در اشرف آباد زندگی می‌کنند که بیشتر به کارهای کارگری در ده یا مزارع روستاهای دیگر و یا در کارگاههای ساختمانی مجاور فعالیت دارند. در سیمای این روستاها امروزه نمودهای بیگانه‌ای از فعالیت‌های اقتصاد سنتی روستایی ایران مشاهده می‌شود. احداث واحدهای اقتصادی جدید مانند مرغداری، گاو‌داری، گوسفندداری، صنایع ظروف گلی و نظایر آنها با ایجاد زمینه‌های اشتغال از جمله تحولات کالبدی جدید در این روستاهاست. فعالیت‌هایی از قبیل ساندویچ فروشی، تعمیرگاه اتومبیل، درب و پنجره‌سازی، سیم کشی ساختمانی و لوازم الکتریکی با اشکال فضایی خاص خود از جمله تأسیسات خدماتی این روستاها هستند، که همگی حاصل شتاب افزایش جمعیت و فعالیت در آنهاست.



روند پرشتاب فزونی جمعیت موجب شده که در بسیاری موارد ساختارهای زیربنایی متناسب نتوانند پایه پای نیازهای فزاینده جمعیت توسعه یابند. از جمله مسایل مهمی که روستاهای واقع در جنوب تهران با آن مواجه هستند تأمین آب آشامیدنی است. آبهای سطحی به دلیل مصارف کشاورزی قابل آشامیدن نبوده و شوری یا آلودگی آبهای زیرزمینی نیز قابلیت شرب آنها را از بین برده است. از اینرو آب مصرفی زراعت از قنات و یا لشاب حاصل از فاضلاب های تهران تأمین می شود. برای مصارف شستشو از چاههای نیمه عمیق یا قنات استفاده می کنند و آب آشامیدنی اغلب به وسیله تانکر از شهری به روستاها حمل می شود. در این رابطه تانکر داران آب را از سازمان آب شهری خریدند و از قرار لیتری یک ریال به خانه ها می فروشند. این آب در آب انبارهای خصوصی یا مشترک میان چند خانه مجاور ذخیره شده و به تدریج به مصرف آشامیدن می رسد. مدارس ابتدایی تقریباً در بیشتر روستاها اما مدارس راهنمایی و دبیرستان فقط در روستاهای بزرگ وجود دارد در بسیاری موارد دانش آموزان دبیرستانی مجبورند در شهری تحصیل کرده و روزانه میان شهری و روستاهای خود آمد و شد کنند.

بدین ترتیب میان رشد جمعیت و ساخت وسازهای کالبدی به جز مسکن نوعی ناهماهنگی وجود دارد که حاصل مستقیم فشار ناشی از رشد سریع جمعیت این روستاها و تغییر عملکرد آنهاست.

از دیگر ساخت و سازهای کالبدی که در محیط روستایی قابل توجه است، گسترش راههای ارتباطی است. از آنجایی که بخشی از ساکنین نواحی روستایی اطراف تهران در واحدهای اقتصادی و صنعتی تهران یا شهرهای مجاور اشتغال دارند، ضرورت برقراری یک ارتباط منظم به وجود آمده است. در سالهای اخیر توسعه شبکه راههای روستایی از جمله اقداماتی است که روی آوری مردم به این روستاها را شدت بخشیده است. این راهها عمده به وسیله جهاد سازندگی و خودیاری مردم ساخته شده، هر چند که از کیفیت فنی بالایی برخوردار نیستند، لیکن به همین صورت نیاز ترددی مردم را برآورده می سازند. تقریباً تمامی روستاها به وسیله سرویس های منظم و نامنظم به طور مستقیم و غیرمستقیم با نقاط شهری در ارتباط هستند. توسعه شبکه اتوبوسرانی شرکت واحد تهران برخی از این روستاها به ویژه روستاهای بزرگ را زیر پوشش خود قرار داده است. این روستاها در مواردی که ارتباط مستقیمی با تهران یا کرج نداشته باشند با نزدیکترین مرکز شهری خود مربوط می شوند. مثلاً روستاهای واقع در اطراف اسلام شهر اعم از آنهایی که در مسیر جاده تهران- ساوه قرار دارند



و یا آنهایی که در خارج از مسیر واقع شده اند از طریق اسلام شهر با تهران مربوط می شوند. در حال حاضر ارتباط مراکز جمعیتی محور اسلام شهر- تهران به وسیله ۳۳ دستگاه اتوبوس و ۳۸۰ دستگاه مینی بوس زیر پوشش شرکت واحد و تعداد زیادی سواریهای کرایه و یا شخصی برقرار می شود. این سرویس ها بر اساس برآورد گزارش طرح جامع اسلام شهر روزانه حدود ۵۰ هزار نفر مسافر را بین تهران و اسلام شهر و همچنین مراکز جمعیتی اطراف از جمله چهار دانگه، شاطره، ملک آباد، و بهرام آباد جابه جا می کنند.

روستاهای کوچک و متوسط دارای سرویس های مینی بوس رانی مستقل هستند که در طول روز میان این روستاها و نقاط شهری نزدیک رفت و آمد می کنند. به طور کلی اثرات کالبدی توسعه تهران در روستاهای اطراف به صورت مرحله ای در ساخت و سازهای کالبدی آنها نمایان می شود. بدین ترتیب که در مرحله نخست این روستاها دگرگونی کالبدی شبه شهری پیدا کرده و بسیاری از آنها به دلیل مشکلات مسکن و بحران فضایی درون شهری به محل سکونت تبدیل شده و غالباً به صورت خوابگاههای شبانه در می آیند. در مرحله بعد این روستاها به تدریج و جبراً دارای هویت رسمی شهری می شوند و همان عملکرد را که با تهران داشته اند نسبت به روستاهای اطراف خود اعمال می کنند. این گونه روستاها تا قبل از تبدیل شدن به شهر با وجود تورم جمعیتی شدید خود نه عنوان شهر دارند و نه نقش سنتی روستایی را دارا هستند. بلکه بیشتر به کانونهای جمعیتی شبه شهری و یا شبه روستایی شبیه هستند که در روند تکاملی خود شکل پایداری نداشته و یکی از بحرانی ترین مراحل گذر خود را از نظر فضایی، فرهنگی و اقتصادی می گذرانند. این مرحله گذر به نظر این جانب نه فقط در محیط جغرافیایی روستاها بلکه در مجموعه کلان منظومه شهری تهران از توجه و اهمیت خاصی برخوردار است.

جدول ۳ نه تنها خصوصیات جمعیتی امروزه این روستاها را نشان می دهد بلکه در جای خود تصویر نیمه ظهور یافته ای از منظومه های شهری آینده منطقه کلان شهری تهران را نیز ارائه می کند.

اگر ضوابط جمعیتی تعریف شهر یعنی داشتن حداقل ده هزار نفر جمعیت، آنچنان که وزارت کشور تعیین کرده، با ملحوظ داشتن ضوابط دیگر به مورد اجرا گذاشته شود، می توان گفت که به منظومه ۱۴ گانه فعلی شهری تهران باید ۱۰ شهر دیگر را نیز اضافه کرد. نقشه ۵ به دنبال آن همان طور که جدول ۴ نشان می دهد در طبقات جمعیتی ۵ تا ۱۰ هزار نفر ۲۲ نقطه جمعیتی وجود دارند که در سالهای آینده نه تنها متوقع به رسمیت شناخته شدن به عنوان شهر

جدول ۳: طبقات جمعیتی و تعداد روستاهای دارای بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت در اطراف تهران

طبقات جمعیتی	تعداد	درصد از کل روستاهای بیش از ۱۰۰۰ نفر	جمعیت	درصد از جمعیت روستاهای بیش از ۱۰۰۰ نفر
>۲۰۰۰۰	۳	۱/۵	۱۵۱۳۷۱	۲۰/۶
۱۵۰۰۰-۲۰۰۰۰	۳	۱/۵	۴۸۱۸۲	۶/۶
۱۰۰۰۰-۱۵۰۰۰	۴	۲	۴۸۹۷۳	۶/۷
۵۰۰۰-۱۰۰۰۰	۲۲	۱۱	۱۶۵۷۲۳	۲۲/۶
۳۰۰۰-۵۰۰۰	۱۸	۹	۶۳۵۷۹	۸/۷
۲۰۰۰-۳۰۰۰	۳۹	۱۹	۹۴۰۹۶	۱۲/۸
۱۰۰۰-۲۰۰۰	۱۱۴	۵۶	۱۶۰۵۸۷	۲۲
جمع	۲۰۳	۱۰۰	۷۳۲۵۱۱	۱۰۰

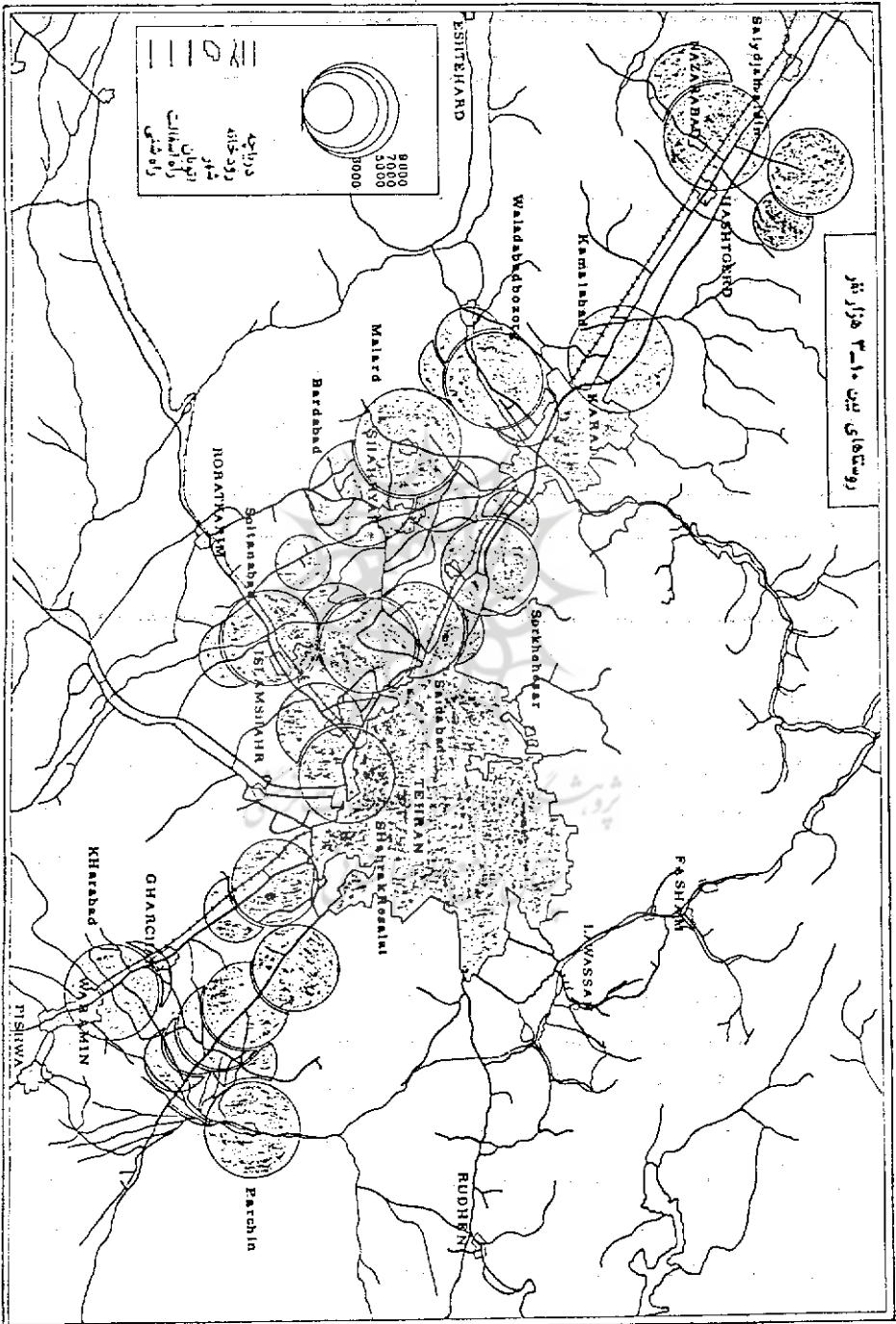
مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۶۵، نتایج مقدماتی

خواهند بود، بلکه متناسب با آن نیازمند ارائه خدمات و تأسیسات شهری نیز خواهند گشت. ادامه چنین روندی تهران بزرگ را با مشکلات فضایی و اجرایی عظیمی روبرو خواهد ساخت که اگر از امروز به آن توجه کافی نشود، فردا برای هرگونه اقدامی بسیار دیر خواهد بود.

### ۳-۲. اثرات محیطی توسعه تهران بر نواحی اطراف:

گسترش شتابان تهران و بلعیده شدن روستاهای مجاور یکی پس از دیگری در کالبد تهران بزرگ، با ملحوظ داشتن شیوه معیشت و سکونت شهری، منطقه تهران را در آستانه مشکلات محیطی فراوانی قرار داده و تداوم این روند آن را شدیدتر نیز خواهد کرد.

تهران بزرگ از یک طرف با توسعه شهری تغییرات وسیعی در کاربری فضایی به وجود می آورد و از طرف دیگر موجب تورم جمعیتی نقاط روستایی واقع در شعاع نزدیک خود می شود. در محدوده مطالعاتی تهران بزرگ (کلان منضمومه شهری تهران) جمعاً ۱۴۳۰ نقطه روستایی با ۱۰۷۰۰۹۷ نفر جمعیت وجود دارد. در سال ۱۳۵۵ جمعیت روستایی تهران



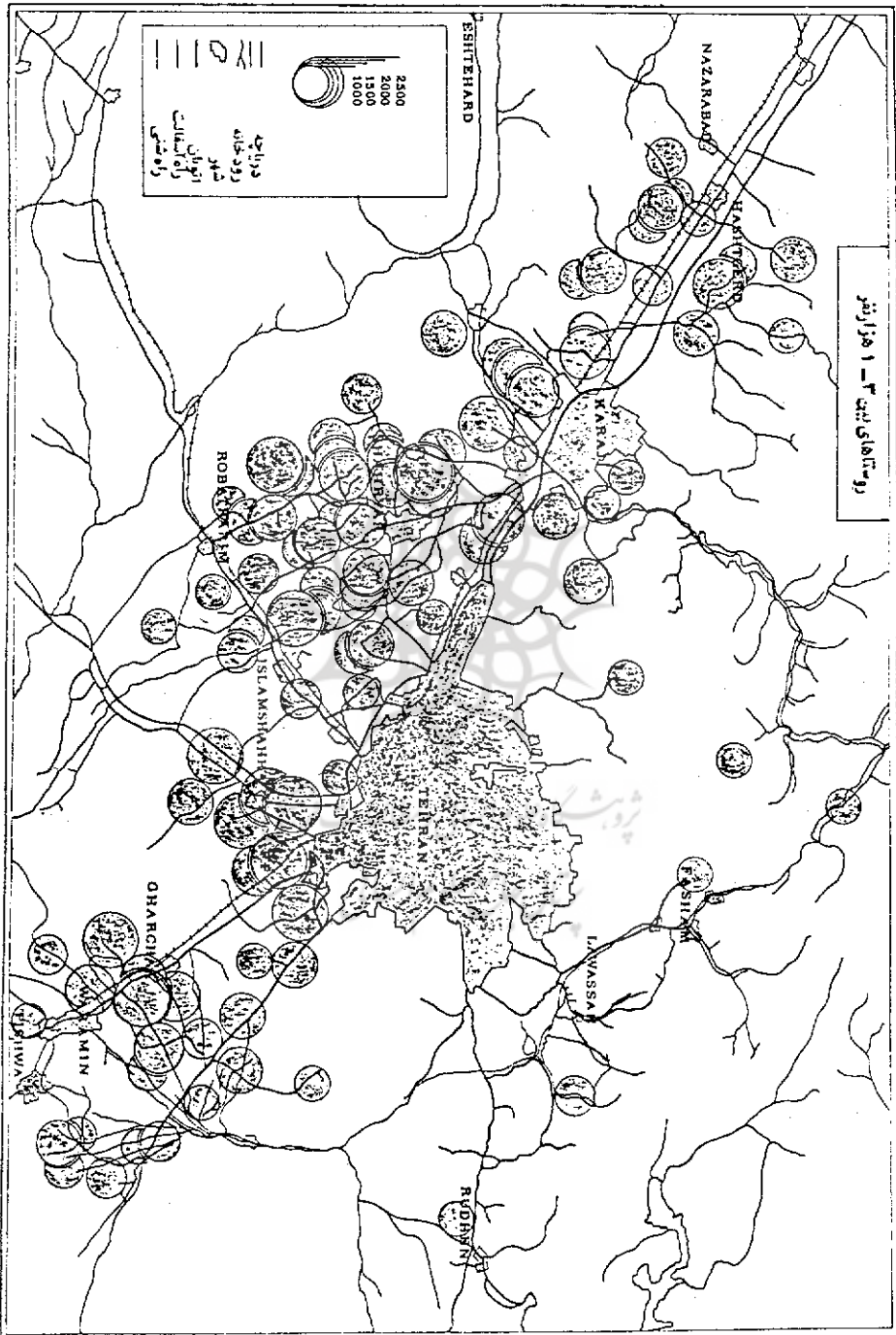
بزرگ ۴۱۱۸۷۹ نفر بود که در طی ۱۰ سال پیش از ۲/۵ برابر شده است. این رشد جمعیت روستایی که در فاصله دهه ۵۵ تا ۶۵ با نرخ ۹/۵ درصد در سال افزایش یافته از دو جهت شایان توجه است. نخست این که رشد بالای جمعیت نشانگر شدت روند مهاجرت به کل مناطق روستایی اطراف تهران است و در این فاصله نه تنها نقاط شهری بلکه نقاط روستایی اطراف تهران نیز به شدت از فرآیند مهاجرت متأثر شده است. دیگر این که توزیع جغرافیایی روستاهای پرجمعیت حاکی از اثرات کششی تهران بر روی روستاهای نزدیک است. به طوری که از مجموع ۱۰۷۰۰۹۷ نفر جمعیت روستایی که در ۱۴۳۰ روستا زندگی می‌کنند ۷۳۲۵۱۱ نفر یعنی ۶۸/۴٪ در ۲۰۳ روستا یا ۱۴/۲٪ روستاهای منطقه ساکن هستند. این روستاها عمده روستاهایی هستند که در نواحی پیرامونی منظومه های شهری بزرگ تهران واقع شده اند (نقشه ۷).

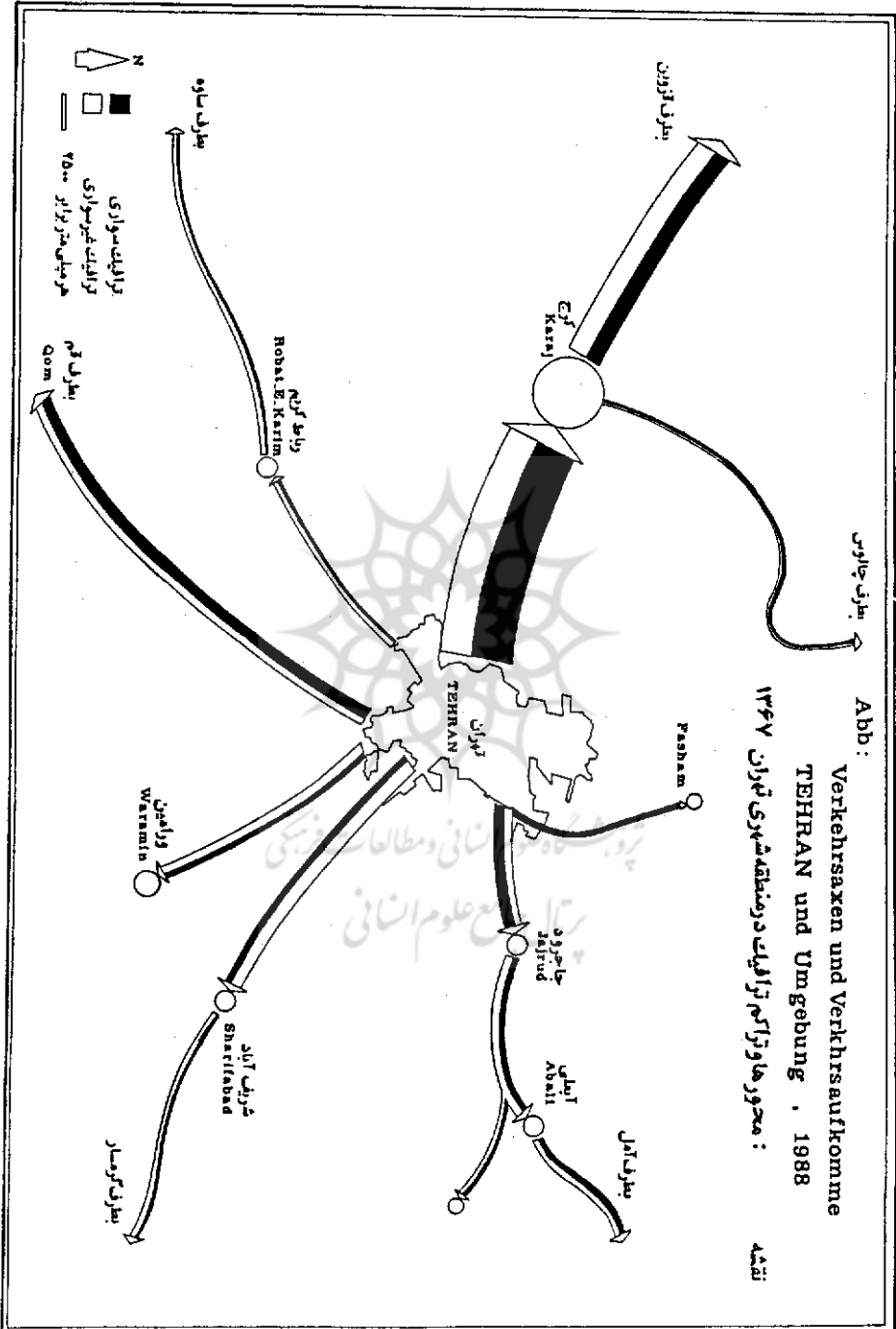
تراکم جمعیتی در نقاط روستایی که مساحت دهستانهای آن به ۱۳۵۹۴ کیلومتر مربع می‌رسد ۷۸/۷ نفر در کیلومتر مربع است. چنین تراکمی خود نشانگر یک تورم جمعیتی در نقاط روستایی تهران است. اما اثرات این تورم جمعیتی نه فقط در تحولات شهرنشینی و دگرگونیهای کالبدی، بلکه در چشم انداز طبیعی و معیشتی نقاط روستایی تهران نیز به روشنی قابل مشاهده است. این دگرگونیها در طیف وسیعی از شکلهای روابط انسان و محیط در اطراف تهران دیده می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از:

● الف - تبدیل کشت های سنتی گسترده Extensiv به کشت متمرکز یا Intensiv از مهمترین تحولاتی که در جغرافیای زراعی منطقه روستایی تهران به وجود آمده و زمینه های آن تقریباً از سالهای دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۰) قابل مشاهده بود، تغییر در نوع و شیوه کشت است (Rannemal 1979, Ehlers, 1973) وجود بازار مصرف بزرگی مانند تهران و سهولت حمل و فروش محصولات کشاورزی در آن موجب شده است که تغییرات عمیقی در شیوه کشت و نوع محصولات کشاورزی به وجود آید.

کشاورزی گسترده و نوع غالب کشت یعنی غلات از جمله محصولات زراعی اساسی در روستاهای اطراف تهران بود. لیکن به دلیل کشش بازار تقاضا و صرفه اقتصادی بیشتر، کشاورزان اطراف تهران با تغییر در نوع کشت چشم انداز کشاورزی را به شدت تغییر داده اند که نمونه های مشخص آن را اهلرز (۱۹۷۳)، هورکاد (۱۹۷۶)، رهنمایی (۱۹۷۹) در دامنه های جنوبی البرز مرکزی مورد بررسی قرار داده اند. در نواحی جنوبی تهران به جای کشت هایی نظیر گل، میوه و علوفه که در شمال و شرق تهران معمول است، بیشتر کشت







محصولات تابستانی عمومیت یافته است. در کنار کشت پنبه امروزه کشت گوجه‌فرنگی، محصولات جالیزی و مخصوصاً سبزی سیمای زراعی بسیاری از روستاها را تشکیل می‌دهد. مثلاً در روستای اشرف‌آباد (جنوب شرقی ری) از ۴۳۲ هکتار زمین زراعی آبی و دیدیم<sup>۱</sup>، امروزه حدود ۴۰ هکتار به کشت گوجه‌فرنگی اختصاص دارد. در روستای مافتون (جنوب ری) از ۱۰۰ هکتار زمین کشاورزی سالانه حدود ۷۰ هکتار کشت می‌شود که بیش از ۲۵ هکتار آن کشت گوجه‌فرنگی است.

کشت سبزیجات تقریباً در بسیاری از روستاهای جنوبی تهران معمول است. این سبزیها که غالباً در مزارع کرت بندی شده کشت می‌شوند. عمدهً بالمشاب (فاضلاب) و مخلوطی از آب قنات آبیاری می‌شوند و تهران بزرگترین مصرف کننده این محصولات است<sup>۲</sup>. در مزارعی که سطح آبهای زیرزمینی به دلیل پستی زمین بیشتر بالا آمده، کشت محصولات تنها از طریق زه کشی میسر است. به همین دلیل با توجه به حساسیت مسأله جهاد سازندگی یکی از مهمترین فعالیتهای خود در نواحی جنوبی تهران را به احداث زه کشهای متعدد اختصاص داده است.

### ● ب- آلودگی منابع آبهای سطحی و زیرزمینی:

دفع مستقیم و غیرمستقیم، فاضلابهای تهران در زمینهای آبرفتی پست جنوب تهران به اشکال مختلف آبهای زیرزمینی را آلوده کرده است. این آلودگی علاوه بر آلودگی فیزیکی، آلودگیهای شیمیایی و میکروبیولوژیکی را نیز به دنبال دارد. در تهران سالانه حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون مترمکعب فاضلاب به زیرزمین راه می‌یابد. براساس گزارش مسؤولان محیط زیست استان تهران، حدود ۸۰٪ از مراجعین به درمانگاهها و بیمارستانهای مناطق جنوبی تهران به بیماریهای عفونی و انگلی مبتلا هستند که منشاء آن را مصرف سبزیها و آب آلوده می‌دانند. آلودگی منابع آب محدودیت زیادی برای آبهای آشامیدنی به وجود آورده، تا حدی که همانطور که قبلاً اشاره شد ضرورت تأمین آب آشامیدنی برخی از روستاها به وسیله تانکر از شهرری ایجاد شده است. استفاده از آبهای سطحی آلوده نیز در زنجیره ای از مصرف آن به

۱ - به هنگام اصلاحات ارضی در این روستا ۶۷ کشاورز صاحب نسق وجود داشتند که به هریک ۶ هکتار زمین رسید و ۳۰ هکتار هم برای مالک باقی ماند.

۲ - در مورد آلودگیهای زیست محیطی سبزیکاری در جنوب تهران خانم زهرا امیری فارغ التحصیل رشته جغرافیا در دانشگاه تهران پایان نامه ای به راهنمایی نگارنده تدوین کرده است. علاوه بر آن دانشکده بهداشت دانشگاه تهران و سازمان حفاظت محیط زیست نیز مطالعاتی در این باره انجام داده است.

آلودگیهای محیطی دامن زده است.

● پ - مسمومیت خاک:

آلودگی و مسمومیت خاک چه از طریق دفع زباله و چه آبهای زیرزمینی و سطحی از جمله پی آمدهای محیطی ناشی از همجواری با تهران است. رایجترین شکل آلودگی خاک در مزارع از طریق آبهای سطحی و زیرزمینی انجام می گیرد. بدین ترتیب که فاضلابهای آلوده پیوسته مقادیر زیادی زباله و اجسام شناور با خود حمل کرده و در سطح مزارع برجای می گذارند. رسوبات باقیمانده بر روی خاک به تدریج مسمومیت خاک را موجب می شوند. آبهای زیرزمینی نیز در نتیجه عمل تبخیر سطحی بر اساس خاصیت «کاپیلاریتی» خاک باعث شوره زدگی خاک و کاهش قدرت رویشی آن به دلیل آلودگی می شود.

● ت - رویش سرطانی نی و گسترش نی زارها:

از جمله پدیده های جالب که با اکولوژی مناطق حاشیه کویری تجانس حیاتی ندارد رویش نی است. بالا آمدن سطح آبهای زیرزمینی و افزایش رطوبت متعارف خاک در نواحی جنوبی تهران محیط مساعدی برای رویش و رشد نی و در نتیجه گسترش نی زارها فراهم کرده است. در اوایل دهه ۱۳۶۰ در برخی از روستاها (مثلاً در قمی آباد) حدود نیمی از زمینهای زراعتی در نتیجه گسترش نی زارها از گردونه کشت خارج شده بودند. امروزه نیز با وجود اجرای عملیات زه کشی و خشکاندن زمین حدود ۳۰ هکتار از زمینهای زراعتی زیر پوشش نی و یا زه قرار دارند. گزارشهای جهاد سازندگی و اداره کشاورزی شهرری حاکی از آن است که در اطراف محور شهرری - ورامین حدود ۳۰۰ هکتار از زمینهای کشاورزی را نی فرا گرفته بود که در حال حاضر، با اجرای طرحهای زه کشی بخشهایی از آن احیا شده است.

● ث - توسعه شبکه ارتباطی و تشدید روابط شهر و روستایی:

ضرورت جابه جایی میان تهران و شبکه های شهری و روستایی اطراف، به ویژه در سالهای اخیر، باعث گسترش راههای ارتباطی شده است. بدین ترتیب نوعی دگرگونی فضایی در چشم انداز محیطی ایجاد شده که از طریق آن نه تنها سیمای محیط تغییر یافته، بلکه عملکردهای روستایی نیز به شدت دگرگون شده است. در نتیجه چنین تحولاتی اثرات عمیقی در سیمای محیط ایجاد شده که بازتاب آن در بسیاری از زمینه ها قابل مشاهده است. تحرک نسبتاً زیاد میان روستاها و شهرها و نقل و انتقالات متنوعی که در نتیجه این تحرک به وجود می آید از جنبه های مختلفی قابل بررسی است. در حقیقت بخشی از تحولاتی که در

سیمای ساخت و سازهای محیطی به وجود آمده، خود حاصل برقراری و تشدید چنین مناسباتی است. تشدید روابط شهری و روستایی بر عملکردهای محیط و کاربری های فضایی در روستاهای اطراف تهران، اثرات زیادی برجای گذاشته است. انتقال فرهنگ شهرنشینی که نمودهای مختلف آن در کاربریهای فضا و زمین عینیت می یابد، ساختار جامعه روستایی را در طی یک سلسله مراحل پیوسته تغییر داده و بدین ترتیب زمینه های دیگر تحولات را فراهم می سازد. به عبارت دیگر رابطه انسان و محیط در این جوامع روستایی بیش از این که از قوانین عرفی و سنتی تبعیت کند، روز به روز و بیشتر از پیش تحت تأثیر مناسبات شهری قرار گرفته و شکل و سیمای دیگری می گیرد.

## ۲ - جمع بندی:

تهران با توسعه و گسترش روزافزون خود در مناطق روستایی اطراف براساس یک سلسله مکانیسمهای ناشناخته، اثرات بنیادی وسیعی برجای می گذارد که افزایش تعداد شهرها، تورم جمعیتی روستاها به ویژه روستاهای با قابلیت دسترسی بهتر و تغییر در چشم انداز محیطی و اشکال دخل و تصرف انسان در محیط از نمودهای برجسته آنست. طی چنین فرآیندی می توان پیش بینی کرد که منطقه تهران بزرگ با رشد غیرطبیعی خود، ناگزیر است فشارهای جمعیتی زیادی را تحمل کند. بالا رفتن تراکم جمعیت پی آمدهای فضایی معینی را به همراه دارد که در این مقاله سعی شد اهم آنها به اختصار نشان داده شود. آنچه که بیش از پیش اهمیت دارد، ضرورت برخوردی مسئولانه نه فقط به شهر تهران بلکه به نواحی روستایی آنست. این نقاط روستایی هر چند که در بسیاری موارد از برکت همجواری تهران بهره زیادی می برند، اما از آسیبهای آن نیز در امان نیستند. ادراکات و برداشتهای کسانی که در این روستاها زندگی می کنند هنوز در حدی نیست که بتوانند ضایعات و صدمات حاصل از این همجواری را به درستی ارزیابی کنند. اما این ناآگاهی نباید به بی توجهی و عدم احساس مسؤولیتهای علمی و اجرایی به ویژه از دید جغرافیای ناحیه ای که درمیدان عمل آن، کلان شهر تهران و شهرهای اقماری آن روز به روز متورم می شوند منجر شود.

در چهارچوب این تحقیق فصل جداگانه ای در مورد روستاهای وقفی که تعداد آنها در نواحی جنوب تهران زیاد است، در نظر گرفته شده است. روستاهای وقفی به دلیل حاکمیت شکل خاصی از مناسبات مالکیت و تصرف در آنها در بسیاری موارد از تعرض

و دستیازی های غیرمتعارف مصون مانده اند. تا جایی که در تجزیه و تحلیل علمی تحولات جمعیتی روستاها و دگرگونی در عملکردهای آنها، همچنین دخل و تصرفهای بی رویه نقش کنترل کننده وقف به روشنی مشهود است. چرا که هرگونه ساخت و سازی در روستاهای موقوفه باید با اجازه تولیت آن انجام پذیرد. و این ممکن نیست، مگر آن که دلیل موجهی برای تغییر در شکل دخل و تصرف وجود داشته باشد.

### منابع و مأخذ

- ۱- آتک: مهندسین مشاور، مطالعات جغرافیایی طرح ساماندهی تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۲- امیری، زهرا: بررسی مسایل زیست محیطی شهر تهران، پایان نامه لیسانس جغرافیا به راهنمایی دکتر رهنمایی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۳- پژوهش و عمران: مهندسین مشاور: طرح توسعه منطقه تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۴- رحمتی، مرحوم: روند شکل گیری و رشد شهرهای اقماری در اطراف تهران، نمونه اسلام شهر، پایان نامه لیسانس جغرافیا به راهنمایی دکتر رهنمایی، دانشگاه تهران ۱۳۶۷.
- ۵- روزنامه اطلاعات: گذری بر مزارع سبزی جنوب تهران، ۲۱ خرداد ۱۳۶۷.
- ۶- صفی نژاد، جواد: طالب آباد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۳۸، تهران ۱۳۴۵.
- ۷- خلیلی عراقی، منصور: شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی رویه شهر تهران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.

8 - Bobek, H.: Teheran. Schlernschriften 190 (H. Kinzi - Festschrift), Innsbruck, 1958

9 - Ehlers, E.: Anbausysteme in den Höhenregionen des mittleren Elburz! Iran. Erdwissenschaftliche Forschung, Bd. V, fra nz Steiner Verlag, 1973.

10 - Hourcade, B.: La haute vallée de Djadj - erud (Elburz Central - Iran). Etude de Géographie Humaine, Thèse de Doctorat paris, 1974.